

با این شماره، فصلنامه‌ی موسیقی ماهر بیست‌ساله می‌شود؛ دو دهه تداوم بی‌وقفه و بی‌گسست در انتشار یک مجله‌ی تخصصی، آن هم در حیات پرماجرایی کشوری که سکندراننش محبت چندان‌ی به موسیقی ندارند.

در تمام مدت این بیست سال، فصلنامه یک بار راه‌وروش خود را تغییر داد و پس از آن، بدون تغییر روش بنیادی، راه خود را با ثبات قدم تا به امروز پی گرفت. هدف این بود که، به‌دور از وقایع‌نگاری موسیقی روز و دنبال‌کردن فعالیت‌های موسیقایی و رد پای هنرمندان موسیقی، در جهت ایجاد یک بدنه‌ی استوار و قابل‌اتکا از ادبیات موسیقی‌شناسی به زبان فارسی گام برداشته شود. لازمه‌ی تأمین استحکام این ادبیات تعیین و تدقیق چارچوب‌ها و وفاداری به آنها بود. گراف‌گویی نیست اگر ادعا کنیم که برای نخستین بار در تاریخ مجلات موسیقی کشور، فصلنامه‌ی موسیقی ماهر تنها مجله‌ای است که خود را مقید به موضوعاتی مشخص کرده است: موسیقی ایران و فرهنگ‌های هم‌جوار، از یک سو، و مفاهیم بنیادی و نظری موسیقی‌شناسی با تأکید بر مباحث موردعلاقه‌ی قوم‌موسیقی‌شناسی، از سوی دیگر. بعدها، جهت تأمین خوراک نظری برای حوزه‌ی نوپای نقد موسیقی در ایران و ارائه‌ی نمونه‌های تاریخی از این رشته، در بخش «نقد و بررسی»، مباحث موسیقی‌شناسی غربی مرتبط با مبحث نقد - متمرکز بر زیباشناسی، بیانگری موسیقی، معناشناسی موسیقی و موارد مشابه دیگر - به‌علاوه‌ی نمونه‌های نقد ژورنالیستی و

## فهرست مطالب

۷ ..... سرمقاله

یادداشت‌هایی به مناسبت بیستمین سال  
انتشار فصلنامه‌ی موسیقی ماهور

۱۵ ..... یادداشت‌هایی از  
برونو نتل، استیون بلام، شهرزاد قاسم‌حسن

۱۶ ..... آغاز فصلی دیگر  
محمد افتخاری

۱۹ ..... مشی استمرار فرهنگی: هم راهبرد، هم راهکار  
محمد رضا فیاض

۲۸ ..... نشان موسیقی‌شناسی ما  
آروین صداقت‌کیش

## مقاله‌ها

۳۵ ..... پل‌زدن بر شکاف صفوی-عثمانی  
آئن رایت، ترجمه‌ی سعید کردمافی

۶۹ ..... نگاهی دوباره به سازهای موسیقی عصر ساسانی  
حک‌شده بر نقش برجسته‌ی طاق بستان، ایران  
گن‌ایچی تسوگه، ترجمه‌ی ارسطو میهن‌دوست

غیرژورنالیستی غربی، از قرن نوزدهم تا امروز — همه‌وهمه‌الگوهای کلاسیک برای آموختن نقد موسیقی که بی‌تردید تنها می‌توانستند غربی باشند — به چارچوب قبلاً تعیین‌شده‌ی موضوعات اضافه شدند. در تمام این موارد، از مطالعات موسیقی ایران و فرهنگ‌های هم‌جوار گرفته تا مفاهیم بنیادین و مباحث نقد، تمرکز اصلی بر موسیقی‌های جدی و غیرتجاری (موسیقی‌های کلاسیک و مردمی) بوده است؛ هرچند تحقیقات دانشوران و علمی درباره‌ی موسیقی‌های مردم‌پسند نیز به غنای مطالب فصلنامه افزوده‌اند. تردیدی نیست که بسیاری از این موضوعات حتی قبل از تغییر روش فصلنامه، در شماره‌ی شانزدهم، نیز موضوعات مورد توجه فصلنامه بوده‌اند.

به این ترتیب، می‌توانیم مدعی شویم که در طی بیست سال توانسته‌ایم نقش قابل توجهی در رشد و گسترش ادبیات موسیقی‌شناسی ایران ایفا کنیم. صدها مقاله درباره‌ی موضوعات مختلف در چارچوب‌های تعیین‌شده‌ی فوق‌الذکر اینک چیزی را پدید آورده‌اند که، به اشاره‌ی برخی از مشوقان و دست‌اندرکاران، می‌تواند همچون نوعی دائرةالمعارف موسیقی قلمداد شود. این همه با شکل‌های نوشتاری دیگر، مثل گزارش، گفتگو و مطالبی درباره‌ی هنرمندان در گذشته، تکمیل شده‌اند و «یادداشت‌های پراکنده» توانسته است محلی شود برای معرفی یافته‌های جدید درباره‌ی موسیقی که ظرفیت تبدیل شدن به یک مقاله‌ی کامل علمی را ندارند. فصلنامه، با وجود چارچوب‌های سخت و سخت‌دانشورانه‌اش، هرگز کاملاً به مسائل روز بی‌توجه نبوده است. بخش «نقد و بررسی»، گذشته از مباحث نظری‌اش، به روی مباحث انتقادی روز باز بوده و کم نبوده‌اند مواردی که در آنها انتشارات مکتوب و صوتی روز موضوع نقد و تحلیل قرار گرفته‌اند. به‌خصوص، گشودن «چکیده‌های (قوم) موسیقی‌شناسی» در این بخش قدمی برای پاک‌گرفتن ستون «review» (یکی از بخش‌های مهم و جدانشدنی مجلات علمی) در فصلنامه و تلاشی دیگر در راستای نزدیک شدن به استانداردهای بین‌المللی موسیقی‌نویسی بوده است. حضور همیشگی «تا فصلی دیگر...» در بخش «نقد و بررسی» پیوند دائمی ما با رویدادهای موسیقایی روز و تحولات آن را حفظ کرده است و از این پس نیز خواهد کرد.

در تمام این مدت، در دسترس قراردادن ادبیات کلاسیک موسیقی‌شناسی یکی از دلمشغولی‌های عمده‌ی فصلنامه بوده است. اتکای صرف به تولید بومی دانش موسیقایی، در جایی که خواننده‌ی فارسی‌زبان هنوز حتی به پایه‌ای‌ترین مکتوبات نظری و مطالعات موردی قوم‌موسیقی‌شناسی، نقد موسیقی، زیباشناسی، نشانه‌شناسی و معناشناسی موسیقی به‌سختی دسترسی دارد، نمی‌توانست شیوه‌ای واقع‌بینانه باشد. بنابراین، ترجمه‌ی متون معتبر علمی در این زمینه‌ها یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فصلنامه به حساب می‌آید. ما کوشیدیم، به‌طور مرتب، حداقل دو ترجمه، یکی در حوزه‌ی مطالعات موردی فرهنگ‌های موسیقایی ایران و همسایگان آن و دیگری در حوزه‌ی مفاهیم بنیادین، و علاوه بر اینها، از شماره‌ی ۳۴ به بعد، یک ترجمه هم در حوزه‌ی نقد موسیقی در فصلنامه داشته باشیم. در مواردی نیز، «مباحث ویژه»، که بر یک موضوع

خاص، مثل موسیقی عثمانی یا هندی یا موسیقی آسیای مرکزی متمرکز بود، یا ترجمه‌ی چندین مقاله در موضوعات مرتبط، جایگزین مفاهیم بنیادین شده‌اند. موقعیت دیگری که حجم وسیعی از ادبیات موسیقی‌شناسی جهان را در این بیست سال به صورت ترجمه در اختیار خوانندگان قرار داده ویژه‌نامه‌هاست. فصلنامه تاکنون شش ویژه‌نامه داشته است؛ درباره‌ی ضبط صفحه (شماره‌ی ۲۹)، نقد موسیقی (شماره‌ی ۳۴)، بداهه‌نوازی (شماره‌ی ۳۷)، موسیقی فیلم (شماره‌ی ۵۵)، مباحث نظری و تاریخی ریتم (شماره‌ی ۶۰)، و ریتم در سنت‌های عملی حوزه‌ی ایرانی-عربی-ترکی (شماره‌ی ۶۳) (این ویژه‌نامه‌ها، البته، علاوه بر ترجمه‌های مذکور، حاوی مقالاتی از مؤلفین ایرانی و انعکاس‌دهنده‌ی دیدگاه‌های آنها درباره‌ی موضوعات مربوطه نیز هست). به این ترتیب، مجموعه‌ی مطالبی که از ادبیات موسیقی‌شناسی جهان، به صورت ترجمه، در اختیار خوانندگان قرار گرفته عظیم است و انعکاس آنها در مراجع مقالات علمی استادان و دانشجویان موسیقی و حتی بعضاً رشته‌های دیگر گواهی است بر میزان تأثیرگذاری آنها و صحیح بودن راهی که فصلنامه در پیش گرفته است.

در طی این بیست سال، به طور مداوم بر تعداد مؤلفین مقالات فصلنامه افزوده شده است و این نشان می‌دهد که شیوه‌ی علمی نگارش مقاله در حوزه‌ی موسیقی امروزه دیگر، همچون نخستین سال‌های عمر فصلنامه، شیوه‌ای غریب و نامأنوس نیست. طیف وسیعی از موضوعات مورد توجه مؤلفین فصلنامه قرار گرفته است؛ از مباحث مربوط به موسیقی کلاسیک ایران، که البته بیشترین نوشته‌ها را به خود اختصاص داده، گرفته تا مطالعات جدی در حوزه‌ی موسیقی نواحی و موسیقی مردمی ایران و بعضاً کشورهای همسایه و حتی درباره‌ی موسیقی‌های مردم‌پسند، و نیز درباره‌ی نقد موسیقی. فصلنامه حتی مستقیماً و نه از راه ترجمه، از قلم پژوهشگران و قوم‌موسیقی‌شناسان خارجی بهره برده است. چندین پژوهشگر، که بیشتر آنها شهرت بین‌المللی دارند - از جمله، استیون بلام، جان بیلی، ژان دورینگ، شهرزاد قاسم‌حسن و آنتونی شی - یا مستقیماً برای فصلنامه مقاله نوشته‌اند یا مقاله‌ی خود را که برای بازچاپ در فصلنامه در نظر گرفته شده بود بازبینی کرده‌اند و نسخه‌ای تازه‌تر از آن برای ترجمه در اختیار خوانندگان فصلنامه قرار داده‌اند.

فصلنامه، به‌یمن جدیدت و روحیه‌ی علمی همه‌ی مؤلفین و مترجمینش، توانسته است مورد توجه برجسته‌ترین پژوهشگران و نهادهای بین‌المللی باشد. برونو نتل، در سال ۲۰۱۰، در کتاب مشهورش، *Nettl's Elephant*، ضمن اینکه از نوعی «مکتب ملی» قوم‌موسیقی‌شناسی ایرانی سخن می‌گوید، فصلنامه‌ی موسیقی ماهر را «عالی» توصیف می‌کند (p. 29). این رایث، در مصاحبه‌اش، در کتابی که در سال ۲۰۱۷ به افتخار او منتشر شده است، ضمن اینکه پویایی مطالعات موسیقی‌شناسانه در ایران را ستوده، تلویحاً، از فصلنامه‌ی موسیقی ماهر، به عنوان نشریه‌ای با کیفیت محتوایی بالا که انتشارش موجب «خرسندی» است، یاد می‌کند (p. 307) و

اهداکنندگان جایزه‌ی لویس ایبسن الفاروقی به مؤسسه‌ی فرهنگی- هنری ماهر در سال ۲۰۱۱ فصلنامه را «نشریه‌ی پیشرو در حوزه‌ی پژوهش موسیقی به زبان فارسی» می‌نامند (متن کامل در شماره‌ی ۵۳).

این همه، بدون تردید نمی‌توانست میسر شود، مگر به‌مدد همه‌ی همکارانی که در شاخه‌ها و تخصص‌های مختلف در تهیه، چاپ و انتشار فصلنامه در این بیست‌ساله تلاش کردند. پیش از همه باید قدردان همکارانی بود که از اولین شماره در اداره‌ی فصلنامه سهیم بودند و طبیعتاً در رأس آنها می‌بایست از دوست گرامی، محمد افتخاری، سپاسگزاری کرد که انتشار ۱۵ شماره‌ی نخست فصلنامه مدیون او بود و سپس از هنرمند گرامی، حسین علیزاده، که دبیری هنری فصلنامه را تا شماره‌ی دوازدهم به عهده داشت. به‌ویژه از دوست و همکار دیرینه، هومان اسعدی، باید سپاسگزار باشیم که در شکل‌دهی علمی فصلنامه سهم بسیار داشت و تا شماره‌ی ۶۲ با ما همراهی کرد؛ و نیز قدردان دیگر همکاران گرامی، علیرضا سیداحمدیان، امیرحسین پورجوادی و حسین یاسینی، هستیم که به‌صورت مقطعی در هیئت تحریریه فعالیت کردند. از همکار عزیزمان، ناتالی چوبینه، سپاسگزاری می‌کنیم که همواره، حتی در این سال‌ها که در خارج از کشور به سر می‌برد، ما را در ترجمه‌ی مقالات یاری داده و در تقریباً تمام طول حیات فصلنامه عضو جدایی‌ناپذیر آن بوده است. همچنین مراتب قدردانی خود را از همکار گرامی، لیلا رسولی، ابراز می‌کنیم که در این سال‌های اخیر زحمت ترجمه‌ی بسیاری از مقالات فصلنامه را به عهده گرفت. بدون تردید، فصلنامه بدون تلاش کادر فنی، اعم از گرافیک، صفحه‌آرا و طراح روی جلد، امکان نشر نمی‌یافت. از همه‌ی دوستانی که در این بیست‌ساله در این عرصه‌ها به بهترین وجه کوشیدند تا مجله‌ای آراسته به خوانندگان عرضه کنند، به‌خصوص از دوستان سال‌های اخیر، سینا برومندی، ملیحه محسنی و پویا دارابی، سپاسگزاریم.

در این هشتادمین شماره‌ی فصلنامه‌ی موسیقی ماهر، به‌شیوه‌ی شماره‌ی چهارم که مصادف با ده‌سالگی فصلنامه بود، از برخی از همکاران، موسیقی‌شناسان ایرانی و قوم‌موسیقی‌شناسان خارجی تقاضا کردیم، در صورت تمایل، مطلبی به مناسبت بیست‌سالگی مجله بنویسند. همه‌ی آنها با روی خوش تقاضای ما را پذیرفتند و برخی با ارسال یادداشت‌هایی که مستقیماً بیست‌سالگی فصلنامه را موضوع خود قرار داده بودند و بسیاری با ارسال مقاله‌های علمی تاکنون چاپ‌نشده‌ی خود با موضوعات مختلف، و یک مورد با گفتگوی رو در رو، بر ما منت گذاشتند. در مقایسه با شماره‌ی چهارم، که به‌مناسبت آن چندین یادداشت و تنها یک مقاله‌ی کوتاه از موسیقی‌شناسان نامی دریافت کرده بودیم، در شماره‌ی هشتاد، پنج موسیقی‌شناس صاحب‌نام غیرفارسی‌زبان مقالات منتشر شده‌شان را برای چاپ در فصلنامه در اختیارمان قرار دادند که، در کنار دیگر مطالب، ما را از ترجمه‌ی مقالات منتشر شده بی‌نیاز کرد. این می‌تواند نشان از افزایش اعتبار بین‌المللی فصلنامه در طول ده سال گذشته باشد.

محتوای این شماره‌ی فصلنامه به‌تمامی به این موارد اختصاص دارد و تلاشی برای حفظِ دقیق ساختارِ همیشگی آن نشده است. در نخستین بخشِ فصلنامه، یادداشت‌های همکاران و موسیقی‌شناسان ایرانی و خارجی (برونو نتل، استیون بلام، شهرزاد قاسم‌حسن، محمد افتخاری، محمدرضا فیاض و آروین صداقت‌کیش) به‌مناسبت بیست‌سالگی فصلنامه‌ی موسیقی‌ماهور آمده است. بخش دوم اختصاص دارد به مقالاتی که موسیقی‌شناسانِ دیگر، باز به همین مناسبت، برای ما فرستاده‌اند.

اولین مقاله‌ی این شماره مطلبی است از اُئن رایت درباره‌ی موضوعی مهم که امروزه توجه بسیاری از موسیقیدانان و موسیقی‌شناسان ایرانی را به خود جلب کرده است: ارتباط میان موسیقی صفوی و عثمانی. با بررسی تطبیقی شماری از آثار نظری مهم، آوانگاری‌ها و مجموعه‌های متن آواز در حوزه‌ی ایرانی-عربی-ترکی و آمیختن این مطالعه با داده‌های تاریخی در باب حیات اجتماعی موسیقی در حوزه‌های جغرافیایی مختلف، مؤلف نتیجه می‌گیرد که صحبت از یک «سنت یکپارچه‌ی صفوی»، از یک سو، و ارتباطی سراسر است و مطلق میان سنت‌های صفوی و عثمانی، از سوی دیگر، نسبتی با واقعیات تاریخی منعکس شده در آثار نظری ندارد و چنین انگاشت‌هایی را، به‌خصوص با توجه به وجود سنت‌های متنوع محلی در سوی صفوی، باید بازبینی و تعدیل کرد.

دومین مقاله، نوشته‌ی گن‌ایچی تسوگه، به بازبینی مطالعات پیشین درباره‌ی سازهای حک‌شده بر نقش‌برجسته‌های طاق بستان، با تکیه بر مشاهدات خود و عکس‌هایی که خود او بیش از پنجاه سال پیش در این میدان باستان‌شناسی گرفته، پرداخته و با بررسی انتقادی آرای فارمر و کیشیبه و دیگران، ده ساز از سازهای ساسانی حک‌شده بر طاق بستان را، که متعلق به سه دسته‌ی زه‌صداها، پوست‌صداها و هواصداها هستند، با مقایسه‌ی برخی از آنها با شواهد باستان‌شناختی دیگر، شناسایی کرده است.

در مقاله‌ی بعدی، ژان دورینگ روی مسئله‌ی پراهمیت ناپدیدشدنِ فواصل زلزل‌تبار در موسیقی‌های کلاسیک آسیای میانه و جمهوری آذربایجان در عصر شوروی انگشت می‌گذارد و، با بررسی فرضیه‌ها و دلایل این پدیده، از جمله اعمال امریه‌های سفت‌وسخت رسمی نظام سیاسی، تلاش انفرادی چند موسیقیدان در احیای فواصل اصیل پیشاشوروی، علی‌رغم بی‌تفاوتی عموم موسیقیدانان و حتی موسیقی‌شناسان، را تشریح می‌کند و آنها را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد.

آنتونی شی، در مقاله‌ی «چرا می‌رقصیدم؟ رو در رو با رقص عامیانه‌ی صحنه‌ای و رقص قوم‌هویتی»، به پرسشی بنیادی درباره‌ی چیستی رقص و کارکرد آن در جوامع انسانی می‌پردازد و در کنار آن، ضمن نقدِ تلویحی نگاهِ خلوص‌گرایانه به رقص عامیانه، با بساختن مفاهیمی همچون «سنت‌های موازی» و «رقص قوم‌هویتی»، بر ارزش‌های مغفول‌مانده‌ی رقص‌های صحنه‌ای تأکید